

فرهنگستان

یکشنبه ۲۵ آذر ۱۴۰۳
۱۳ جمادی‌الثانی ۱۴۴۶
۱۵ دسامبر ۲۰۲۴

شماره ۴۳۰۴
صفحه ۱۶
تومان ۱۰۰۰۰

FARHIKHTEGAN ONLINE
FARHIKHTEGANDAILY.COM

خیانت سیستماتیک

در حق حزب الهی‌ها

یکی از اهداف مهم سخنرانی اخیر رهبر انقلاب که پس از رویدادهای مربوط به سوریه انجام شد، توضیح و تبیین وقایع با رویکرد اطمینان‌بخشی به جبهه مقاومت و بدنه حزب الهی و ارزشی نسبت به این ابرویداد منطقی‌ای بود تا حداقل آن‌ها در دام تحلیل‌های منفعل‌کننده، غیرواقعی و تخدیرگونه نیفتند.



سابقه
محمد زکیم‌زاده
سردبیر

اما کمتر از بیست‌وچهار ساعت بعد از این سخنرانی، یک سخنرانی از یک نماینده مجلس منتشر می‌شود که در حال تحلیل ماجرای شهادت آیت‌الله رئیسی است. او با صراحت و بدون ارائه هیچ سند و مدرکی ادعای برخی حساب‌های کاربری مشهور موساد در شبکه‌های اجتماعی درباره پرواز تلخ اردیبهشت را تکرار می‌کند و یک شبه عمیق را در ذهن همان بدنه حزب الهی پدید می‌آورد و با زبان بی‌زبانی به آن‌ها می‌گوید خیلی به تحلیل‌ها و گزاره‌های رسمی خصوصاً به آنچه درباره منطقی می‌گویند توجه نکنید، این‌ها نمی‌خواهند شما واقعتاً را بدانید.

این ماجرا از دو منظر قابل تأمل است. نخست از نظر متن و دوم فرامتن ماجرا که حتماً مهم‌تر است. از نظر نگارنده صرف اظهارنظر در خصوص این موضوع یا موارد مشابه آن ایرادی ندارد و هر فردی می‌تواند در چهارچوب قانون از حق آزادی برخوردار باشد، اما با دو شرط؛ نخست آنکه دلیل و سندی برای ادعای خود بیاورد و دوم با ادعاهای سابق‌گوییده هم‌خوانی داشته باشد یا اگر تفاوت دارد، بتواند علت این تفاوت را توضیح بدهد.

در ماجرای سخن این نماینده تا جایی که صحبت‌های او بخش شده است، اشکالاتی وجود دارد. اولاً برای این ادعا هیچ سند و مدرک خاصی ارائه نمی‌کند و به نظر می‌رسد بیشتر در حال پرکردن یک نوار است که زحمت راننده‌های محترم تاکسی در مسیرهای طولانی را کم کند، ثانیاً ۲۴ ساعت بعد از سخنان رهبری، این حرف از جماعتی که خود را از شیعیان توری و سیاسیون ذوب در ولایت می‌خوانند، قابل قبول نیست.

اما این موضوع از منظر فرامتن هم قابل تأمل است؛ چون مسئله فقط یک فرد یا یک گزاره نیست. با میزانشن عجیبی طرفیم که چهار بازگر مهم دارد. اول؛ طیفی از سخنرانان به ظاهر انقلابی که عادت به ایراد سخن سطحی، تخدیرگونه و ماورایی دارند. دوم؛ مخاطبی که ترجیح می‌دهد همه نیازهای فکری رسانه‌ای اش را با همین محتواها رفع کند و به نوعی به تخدیر عادت کرده است. سوم؛ یک بستر برای شبکه کردن آن مرادها یا این مریدها و چهارم؛ شبکه‌ای سیاسی-مالی برای اسپانسرینگ سه ضلع اول. در واقع می‌توان گفت تولید آن سه ضلع اول کار این ضلع چهارم است.

ماجرای ضلع اول تا حدی قدیمی و تکراری است. ماسون‌شناسان و پژوهشگران رسل و اسطرلاب قدیمی، چند سالی می‌شود با حمایت‌های پیدا و پنهان، سرشیکه کنشگری سیاسی شده‌اند، سخنرانانی که عموماً سازوکار تولید استدلالشان ارجاع به رمزها و رازها و اخبار پنهانی و ماورایی است. سازوکاری که با یک گارانتی قضایی-امنیتی در سال‌های قبل تلاش کرده به مخاطب بقبولاند که مثلاً رئیس‌جمهور اسبق، جاسوس اسرائیل است یا سدهای جنوب کشور ساخته شده تا عنداللزوم دریچه‌های آن‌ها باز شود و آب سدها با پرش از روی سر اهواز و آبادان و... کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس را غرق کند و...

ضلع دوم مخاطبانی‌اند که عموماً قربانی این طراحی‌اند؛ اما خودشان هم بی‌تقصیر نیستند. مخاطبی که به جای خواندن و تأمل کردن به دنبال حرف زدن است، به جای پیدا کردن منطقی اتفاقات به راز و رمزها علاقه‌مند است، به جای علاقه‌مندی به تحلیل‌های فسیل‌سوز و چندوجهی به اخباری‌گری و شنیدن گداهای تخدیری روی خوش نشان می‌دهد و... ضلع سوم بستری است که برای پیوند این دو ضلع تدارک شده. «جامعه شبکه‌ای»، اصطلاحی است که در علوم ارتباطات برای توضیح روابط جدید بین قدرت و ارتباطات استفاده می‌شود. کارکرد «جامعه شبکه‌ای» ذیل پیام‌رسان‌های مدرن، تغییر ساخت قدرت از ساختار عمودی به ساختار افقی است؛ یعنی به جای سازوکار بالا به پایین یا پایین به بالا، در ساخت جدید شبکه‌ها قدرت به صورت افقی توزیع می‌شود. این ایده شاید زیادی فانتزی یا سانتی‌مانتال باشد؛ اما در توضیح این موضوع به کار می‌رود. البته در این قفزه ماجرا کاملاً برعکس و در این جامعه قرار است رابطه‌ها در ظاهر شبکه‌ای باشد؛ اما در عمل مراد و مریدی است. شبکه‌ای کردن آن مخاطب و این راهنمایان در شبکه‌ای اجتماعی مثل ایسا (طبیعتاً منظور همه کاربران ایسا نیست و مشخص است که در مورد یک کلونی خاص صحبت می‌کنیم) بستر تولید قدرت برای طراحان این چهارضلعی را پدید آورده است.

اما ضلع چهارم که از همه مهم‌تر است طراحان سیاسی و اسپانسرهای اقتصادی و ذی‌نفعان این فرایند در قدرت هستند. آن‌ها یک شبکه تخدیرکننده معرفی می‌خواهند، یک جامعه توده‌ای که هرچیزی را باور کند و بستری که در عین شبکه کردن این دو، منقطع از بقیه عالم باشد و حس اکثریت بودن را به جامعه مدنظرشان بدهد. آنچه این روزها در فضای سیاسی و اجتماعی کشور می‌گذرد، حاصل پخت‌وپز این جریان است. یک خطای سیستماتیک که بدنه ارزشی و انقلابی را به جای یک امت رشید و عمیق، یک جامعه توده‌ای می‌خواهد. جامعه‌ای که باور کند ما کرخه و کارون را ساخته‌ایم تا با آن‌ها کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس را غرق کنیم، دیگر هرچیزی را که ما بخواهیم باور می‌کنند. اگر به او بگوییم به این‌ها رای بدهیم چون خادمنند رای می‌دهند. اگر چند سال بعد بگوییم رای ندهید چون خائنند باز باور می‌کنند و... البته وقایع اخیر خصوصاً اتفاقاتی که در ماجرای سوریه رخ داد و واکنش‌هایی که در جامعه شبکه‌ای‌شده ایسا بروز کرد، احتمالاً حتی طراحانشان را هم نگران کرده است. حجم تولید خشونت کلامی و توزیع نفرت نسبت به برخی مقامات نظامی و غیرنظامی کشور در حدی بود که نشان می‌دهد این خطای سیستماتیک ممکن است به‌زودی دامن طراحانش را هم بگیرد.



سلطان و شایان

اردوغان از جنبه اقتصادی و امنیتی امکان ادامه پروژه بلندپروازانه‌اش در سوریه را دارد؟



دولت تجار چقدر دارایی دارد

کابینه ۴۰۰ میلیارد دلاری

بررسی گزارش تفریح بودجه نشان می‌دهد از قراردادهای سال گذشته شرکت‌های دولتی فقط ۲۵۴ میلیارد تومان به دانشگاه‌ها رسیده است

شوخی پژوهشی با دانشگاه‌های دولتی

ارزیابی‌ها از کیفیت کلی جشنواره «سینما حقیقت» نگران‌کننده است

چشمه مستند خشک نشود